

با توجه به بیانات بسیار مهم مقام معظم رهبری درخصوص موضوع فقه و هنر، نشست تخصصی تعدادی از استادان حوزه و دانشگاه و شاعران مطرح کشور، به منظور هم اندیشی درخصوص فقه و هنر با حضور آیت الله سید علی اصگردستغیب، نماینده مقام معظم رهبری در آستان احمدی و محمدی علیهماالسلام ونماینده ی خیرگان فارس در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۹ ازساعت ۱۵ تا ۱۷:۳۰ در سالن شهید دستغیب شاهچراغ(ع) برگزارشد که گزارش ویژه ی نشست مذکور تقدیم می گردد:

تلاوت آیاتی ازقرآن کریم توسط آقای صادقی و اجرای سرود جمهوری اسلامی آغاز شد.

مرضیه مرادی یکی ک شعر کوتاه برای شیخ نمر و یک غزل انتظار خواند:

چندی است بی چشمان تو از هر نشاط افتاده ام
بی گرمی دستان تو از سور و سات افتاده ام
از بس که دوری دیده ام، این روز ها فهمیده ام
مانند باران بهار از چشمهات افتاده ام
هر جمعه با ذکر و دعا در گوشه ی سجاده ها
مست از دعای ندبه یا عطر سمات افتاده ام

زهر ا سادات جعفری غزل زیبای در منقبت حضرت شاهچراغ (ع) را خواند:
جبریل سر نهاده به صحن مطهرت
فیروزه های گنبد مینا مستخرت
چرخیده سمت نغمه ی الله اکبرت...
خورشید دل سپرده به گل دسته های نور
دکتر خسرو قاسمیان، دکتری ادبیات فارسی و استناد دانشگاه شیراز اولین سخنران جلسه، ضمن تبریک میلاد امام حسن عسکری (ع) گفت:

هنر در گذشته در چهار حوزه ی شجاعا، عدالت، عفت و حکمت جولان داشته، لغت هنر در واژه‌شناسی: هو به مفهوم خوب و نر به معنی توانا، نیرو و قدرت معنا شده است، ولی امروز توجه به این مقوله بسیار زیادت از گذشته است؛
–این مطلب فقه هنر آشنا... کلید ورود به بعضی مقوله هایی باشد که تاکنون دشوار بوده است،
فوند اسبون هنراسلامی همانی است که در عرفان اسلامی مورد توجه است.

انسان در چهار مقوله ی خداوند، خود، جهان پیرامونی و نیز همنوعانش باید برای خود روشنگری و تبیین داشته باشد.

اگر-پشتوانه ی فرهنگی و آشنایی به خصوص در حوزه ی هنر اسلامی داشته باشیم نباید فقط به چند نمونه اشاره در اشعار بسنده کنیم، به قول شاعر:

زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

و چه خدا اگر شودت منظر نظر

این نکته بسیار ظریفی است. نباید اینقدر به شعارهای روشن فکری بها بدهیم.
پشتوانه فرهنگی داشتن بسیار مهم و ماجراهایی دارد. حافظ، مولوی و بزرگان دیگر تاریخ را اگر نگاه کنیم ماندگاریشان در اثر همین پشتوانه های عظیم فرهنگی است که داشته اند!

هنر دو وجه عمده دارد، حرف داشتن و خوب حرف زدن. تکنیک و محتوا هر دو لازمه ی کارند، هر کس در جهان در این عرصه به جایی رسیده است به دلیل نقبی بوده که به درون خود زده است.

حجت الاسلام زکریای اخلاقی رئیس حوزه علمیه میبد یزد و شاعر صاحب نام کشور سخنران بعدی جلسه بود:

–نکته اول اینکه عمده منابع ما در منابع فقهی به صورت اعم و در فقه هنر به صورت اخص، روایات است. در روایات هم وقتی به شاخه های مختلف هنری نگاه می کنیم می بینیم که این شاخه ها به یک معنی و به دو گروه تقسیم می شوند: قسمت اول مباحث متحدث و جدید مثل هنر های نمایشی و امثال آن است، دسته دیگر هنر هایی است که از صدر اسلام و ائمه علیهم السلام بوده.

ممثل هنر های شعر، نوازندگی، خوانندگی، تلئس زن به مرد و مرد به زن، مجسمه سازی، نقاشی، هنرهای تجسمی و امثال آن؛

–متأسفانه ما منابع قابل توجهی دردست نداریم یعنی روایت خیلی کم داریم و در مورد هنرهای جدید اصلا روایتی نداریم چون زمینه اش پیش نیامده که از انئه(ع) سؤال بکنند. در مورد هنر هایی که سابق بوده هم آنقدر که در خصوص مسایل دیگر روایت داریم در مورد هنر نداریم.



–در مکاسب محرمه شیخ بحثی با دوستان حوزه داشتیم در بحث تشبیب (عاشقانه سرایی به زبان شعر) دنبال این بودم که مرحوم شیخ چگونه به آن استدلال می کند. دیدم که مرحوم شیخ نمی تواند دلیل و روایت مستقلی در مورد آن بیاورد.

با اینکه عاشقانه سرایی قبل از اسلام و بعد از اسلام بوده مرحوم شیخ می گوید ما حکم صریحی در مورد این امر نمی توانیم بدهیم به خاطر اینکه چیزی به این عنوان در روایات(ع) نیامده. این یک مشکل عمده ی ما در فقه هنر است که کم منبع داریم. از طرف دیگر اعتقاد داریم که اسلام متکفل همه امور زندگی هست لذا قفهای ما در این زمینه مقاری کارشان دشوار می شود که باید شنیدنی این شاخه های مختلف هنری را خیلی جزئی بنگردن و حکم برایش استخراج کنند.
–نکته ی دوم اینکه از مجموع مباحثی که تاکنون فقهایی ما در رشته های مختلف هنری بحث کرده اند بر می آید که اسلام نظر مثبتی به هنر نداشته، مثل حرام کردن مجسمه سازی، نقاشی، تلئس مرد و زن به هم، و موسیقی و خوانندگی و همه هنر ها را که شما فرض کنید با نظری این گونه مورد توجه قرار داده. بیشتر حکم به حرمت کرده اند. لذا از این جهت هم کار ما دشوار می شود.
به نظر من قفهای ما در فقه هنر باید در دو جهت کار کنند همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند باید اولاً یک کار دقیق در موضوع شناسی انجام بدهند. ممکن است بعضی از مراحل هنر مثل موسیقی حکمی با این شداد و غلاظ نداشته باشند. نکته سوم اینکه همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند شاید بشود روی ادله هم تجدید نظر کرد. مانند کاری که علامه حلی در بعضی موارد ادله می کرد. مقام معظم رهبری هم به این اشاره کردند. عمده کسانی که برای حرمت مسائل هنری دلیل می آورند به عنوان نوعی لپو و باطل برداشت می کنند در حالی که می توان گفت خیلی از این ها زیر مجموعه ی لپو نیست و اصلا امروزه نه تنها لپو نیست بلکه نیاز جامعه امروز است و با زندگی ما آمیخته شده، پس باید با آن را مصادق لپو ندانیم یا مصادق لپو حرام و مصل ندانیم.

من فکر می کنم کسانی که در موضوع فقه هنر می خواهند کار کنند باید این

سه کار را انجام دهند و انشا الله به نتایج خوبی هم برسند.

پروانه نجاتی در حال و هوای این روزهای ی شیراز، غزلی را به شهدای گمنام تقدیم کرد

به جز پلاک و همین یک دو خط نشانی چند

نیامد از قذ و بالا جز استخوانی چند

که بوده همنفس عمر من خزانی چند

بهار پر پر دل ای نهال سبز امید

گرفته هر سر تابوت را جوانی چند

به روی شانه ی این شهر آمدی باشوق

دکتر محمدرضا خالصی استاد دانشگاه شیراز در سخنان خود به موارد زیر اشاره کرد:

هنر در اندیشه ی بشری علی القاعده یک ودیعه آسمانی است. یعنی به وری ای مسائل ظاهری توجه دارد. درخلق یک اثر هنری، اتفاقی در باطن هنرمند رخ می دهده که به او یک شکل اتنولوژی و وجودی داده است. از طرفی حضرت حق تعالی هم در تقدس قِرار دارد و هم در ظهور؛ ذات هنر یک فضای دو سویه‌ای را بین آن امر قدسی و این را خاکی ایجاد می کند، اگر بخواییم به

روزنه

● پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۶ ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ Jan 28۰ 2016 سال بیست و یکم شماره ۶۸۰ ●

آیت ا... سید علی اصغر دستغیب در نشست فقه و هنر:

فقیهان باید در فتواهای خود، معیارها و ضوابط را رعایت کنند



زبان دیگر بگوییم هنر تجربه ی زیبا شناسی از امر متعال به انسان است. این تفکر از زمان قدیم در هنر بوده به جز الان که به دلیل مدرنیسم مقدار زیادی دنیا زده و خاک آلوده شده، حتی افلاطون هم هنر را یک شوریدگی آسمانی می داند و معتقد است هنرمند اگر فقط بخواهد با تکنیک و به دور از آن شوریدگی آسمانی طی مسیر کند ناکام می شود.
–افلاطون هم می گوید اگر می خواهید زیبایی را ببینید نخست باید پاک شوید چون آن ذات مقدس پاک است، وقتی پاک شدید زیبایی در شما مستقر و ساطع می شود. اینجا یاد سخن خواجه شیرازی می افتیم که:

غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

پاک شو اول و پس دیده بر آن خاک انزاز

در پایان خالصی اشاره کرد: زمختری می گوید معجزه ی قرآن متن و محتوا است.



به همین دلیل شما نمی توانید این دو را از هم جدا کنید. به نظر می رسد هنر اسلامی در زمینه ی فلسفه و عرفان اسلامی بسیار قابل تبیین و توجیه است و فکر کنم بشود در این مورد سخن بسیار گفت و جلسات متعددی برگزار کرد...
در این فراز از برنامه کلیبی هفت دقیقه‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در جلسه فقه و هنر بخش شد که مورد استقبال و توجه حاضرین در جلسه قرار گرفت سخنران بعدی ابوالقاسم فقیری / نویسنده چیره دست و پیشکسوت/ شیراز و کشور بود که مقاله ای پژوهشی را در خصوص حضرت شاهچراغ قرائت کرد.
مریم حقیقت از جهرم غزلی به فاطمه بنت اسد مادر بزرگوار مولا علی(ع) تقدیم کرد:

السلام آشنای سبز حرم گامهای همیشه شعله ورت

مادر عاشقانه های خدا، به سلامت شروع بال و پرت

از کدامین ستاره می آیی که پر از آفتاب و مهتابی

بار انسانیت به شانه ی توست، یا ز آینده خم شده کمرت...

دکتر محمد مرادی، استاد دانشکده ی ادبیات فارسی دانشگاه شیراز در سخنان خود به موارد زیر اشاره کرد:

من یک مثلث اینجا کشیده ام که بر اساس آن سخن می گویم.درآیه ا ی که تلاوت کردم و روایت هایی که درباره شعر وجود دارد رگه هایی درباره ی فقه و هنر هست که بنده در زمینه ی فقهی تخصصی نداشته، دوست دارم در زمینه ی هنر حرف بزنم. یکی از اضلاع این مثلث زیبایی شناسی هنر در حوزه دین است. ضلع بعدی که باید در نظر بگیریم اخلاق هنر و دیگری فقه هنر می باشد.

ماآخذی همچون احادیث و نقل قول ها یی از حضرات معصومین (ع) در دست

است و مهمتر از آن دید هنریشان تا حدودی منعکس شده، من چند پیشنهاد دارم اغلب نظریه های ادبی دانشگاهی، در حوزه نقد شعر وارداتی است. اگر حداقل بتوانیم چند نظریه را با مطالعه آثار معصومین (ع) استخراج کنیم، مهمترین کاری است که می توانیم در این حوزه انجام دهیم. من پیشنهاد جدی می دهم که در حوزه فقه، اخلاق و زیبایی هنر، سلسله نشست هایی به محوریت آستان مقدس احمدی ومحمدی (ع) به صورت ماهانه و حتی فصلی برگزار شود و از متخصصان در حلقه های محدود و تخصصی هنری (حداکثر با حضور ۱۰ نفر) دعوت شود که در حوزه فقه دین گفتگویی جدی اتفاق بیفتد و به سه موضوع اشاره شده پرداخته و نتایج آن منتشر و منعکس شود. این امر اگر رخ دهد اتفاق بسیار خوبی رخ خواهد داد. اگر مجله علمی پژوهشی در حوزه ی فقه هنر و مسائل فرهنگی به محوریت آستان منتشر شود بیشتر بهترین کاری باشد که در این حوزه می توان انجام داد. همایون یزدان پور از شاعران پیشکسوت و اصحاب رسانه اینگونه گفت: با طرح موضوع فقه و هنر از سوی مقام معظم رهبری راهی را داریم طی می کنیم که انشأاً... آینده ی روشنی در پیش رو خواهیم داشت.

در جامعه ی امروز ما بعضی از شاخه های هنر مورد غفلت قرار گرفته، از جمله همین هنر کتیبه‌نویسی که در شهر و دیارمان گذشته بسیار درخشانى داشته، علیرغم کلاس ها جا دارد در خصوص هنرهای سنتی معرق، منبت، خاتم و ... عنایات بیشتری صورت گیرد. به عنوان مثال نعریه که یک هنر ارزشمند است. در گذشته عموم مردم می دانستند در هر فرازی از آن چه عمل هنری باید انجام شود (گل ریزان، کلاب پاشی، شیور، ها، سواران و...) همه را مردم می دانستند. ولی امروز خیلی ها این ها را نمی دانند. اعتقاد دارم اگر توجه و عنایتی برای تزی و رشد اینگونه هنر ها در شهر ما صورت گیرد می توانیم امیدوار باشیم که بسیاری از شاخه های هنر اسلامی دوباره احیاء شود. حتی در زمینه ی شعر آیینی جا دارد که جوانانمان را بیشتر به این امر سوق و در این محافل شرکتشان دهیم تا به گسترش فقه و هنر اسلامی در شهر و دیارمان کمکى کرده باشیم.

امین جعفری مدیر کل کتابخانه های فارس و شاعر مطرح کشور سخنران بعدی بود و پس از او حجت الاسلام انصاری نژاد شعری را به ساحت مقدس حضرت فاطمه معصومه(س) تقدیم کرد:

از دید مجنون های یاد قصص آوردم

چون شاخه‌هایی در هم این شعر تر آوردم

این چند برگ خشک لای دفتر آوردم

دستی شمیم بید مشک تازه با خود داشت

یا یاد رفتم تا کجاها سر در آوردم

آیت تابی نیلوفران در یاد دین داشت

جای گلاب این اشک های پر پر آوردم

پیچیدم از آنجا تمام جاده قم را

امین شفیعی به عنوان نماینده رسمی ریاست دانشگاه ادیان قم اینگونه گفت:
دوستان تقاضا کردند که این قضیه فقه و هنر در خارج از یک فضای بحث و گفتگو بیشتر عملیاتی دنبال شود. من به عنوان نماینده ی رسمی ریاست دانشگاه ادیان این قول را می دهم که انشأاً. در اتاق های فکر فرهنگی، فقهی، هنری و سایر برنامه هایی که تولیت محترم آستان در نظر بگیرد ما چه برای ارسال مقاله چه حضور اساتید دانشگاه و دانشجویان عزیزى که در این عرصه فعالیت می‌کنند

معین کنند. فقیه هم باید حکم آن موضوع را طبق قواعد و ضوابطی که در اختیار

دارد بیان کند.

اما بسیاری از موضوع ها نیز وجود دارد که خارج از شَأن فقیه نیست؛ یعنی هر اندازه که فقیه آشنائی و شناخت بیشتری با موضوع داشته باشد، قطعاً بهتر می‌تواند حکم را استخراج، استنباط و به حکم واقعی الهی نزدیک کند.

می‌توان درمقام تمثیل، این دو را از یک دیگر متمایز کرد. این اعتقاد ماست که حتی اگر در بعضی موارد، کارشناسان موضوعی داشته باشیم، فقیه بی‌نیاز نیست که خودش نیز از موضوع شناخت و آگاهی داشته باشد.

یکی از مطالبی که حقیقتاً باید به آن توجه داشت، این است که اگر فقهای بزرگ ما و اعظامی که به‌حمدالله در صحنه حضور دارند، به تأسی مقام معظم رهبری، به مسأله هنر توجه کنند، ما احساس شغف و شادی کرده، این را یک بشارت می‌دانیم که فقها وارد این عرصه شده اند. به‌حمدالله در حوزه های علمیه، مخصوصاً در حوزه های مقدس قم، در این خصوص شاهد جنب و جوش هستیم. اگر در این عرصه بی تفاوتی، بی‌اعتنایی و کم کاری صورت بگیرد، در تمام ابعاد زندگی انسان ها، ممکن است واقعاً به جایگاهی برسیم که اینک شامل هنر شده است؛ یعنی شاهد مدرنس شدن دین و آثار نبوت باشیم. این سخن را به گراف نگفتیم.

آیت الله سید علی اصغر دستغیب، به خلاصه حدیثی مفصل از امام صادق (ع) اشاره کردند:«ایشان با ذکر اسمامی چهار تن از اصحاب بزرگوارشان به نام‌های «ابوبصیر»، «محمد بن مسلم»، «زراره» و «برید بن معاویه» فرمودند: این چهار نفر از نجبا و کسانی هستند که اگر نبودند، آثار نبوت منقطع و مدرنس می‌گردید؛ ایسن که ما می بینیم آثار نبوت یعنی دین اسلام ناب این چنین باقی مانده و از طرفی هم روز به روز پویاتر و برای پاس‌خگویی به مسائل آحاد امت اسلامی آماده تر است، به خاطر این قبیل بزرگان و فقهایی است که از امامیه هستند؛ کسانی که طبق دستور امامان معصوم ما فتوا می دهند و برای موضوع ها حکم تعیین می‌کنند؛ زیرا آن ها به این نکته توجه دارند که در بعضی مواقع، در فتوا برایشان افراط و تفریط ایجاد نشود.



بی تردید همان طور که مقام معظم رهبری اشاره فرمودند، فتوا بر اساس هوی نیست و جو سازی برای یک فقیه، به هیچ وجه تأثیری ندارد. در روایتی از امام حسن عسکری (ع)، درباره تقلید و تبعیت از فقیه، شروطی بیان شده که یکی از آنها مخالفت هواس است. فتوا بر اساس معیارها و ضوابط است، نه هوا. اگر کسی بخواهد تحت این عنوان که احیاناً جو چه اقتضا می کند فتوا بدهد، مخالفت با هوی نیست؛ بلکه عین تبعیت از آن است.

با این حال، چیزی که ما با آن مواجه هستیم، مسأله مربوط به احتیاطات است. حقیقتاً وقتی فقیه بر اساس معیارها، موازین، قواعد و ضوابطی که در اختیار دارد، تلاش می‌کند تا حکم الهی را استنباط کند، گاهی ممکن است واقعا به نقطه ای برسد که لازم باشد آن جا احتیاط کند. یک نوع از این احتیاط، احتیاطات لازم است؛ یعنی همان که در روایت هم داریم؛ در دینت احتیاط کن.

در مواردی خاص این احتیاط لازم است؛ اما بسیار معدود. اگر این را توسعه دهیم و براساس حالات خاص و دورنی خودمان بخواییم عرصه را تنگ کنیم، کار درستی نیست. کسانی مانند اجبرئیل یا آن ها که تحت عنوانی دیگر، اصالت را به منبع دادند و اصل را بر حذر و منع قرار دادند، همان هایی بودند که واقعا مشکلاتی را ایجادکردند.



در خیلی از مواقع، احتیاط درترک احتیاط است؛ زیرا ممکن است ما از ناحیه بعضی از احتیاطات بر شرع انور، از مسیر طبیعی و عادی منحرف شویم. حتی در بعضی از مسائل فردی و عبادی، وسواس هایی برای بعضی ها پیدا می شود که چیز کمی نبوده، آن ها را از نظر روحی و روانی به شکلی شدید مبتلا می‌کند؛ به‌گونه ای که دیگر نشاط عبادت ندارند و نمی‌توانند به طور طبیعی به سوی خدا سیر کنند. این موارد، مربوط به بعضی از احتیاطاتی است که جا ندارد.

در احوالات مرحوم «صاحب جواهر»، به ذهنم می‌آید که ایشان در حال احتضار، نزدیک ارتحالشان، در انتظار مرحوم شیخ انصاری بودند. همه ای دانستند مرحوم صاحب جواهر، منظر «شیخ اعظم» هستند. ایشان را که مرجعی بزرگ و فقهیی عظیم الشآن و از نظر جلال و قدر و منزلت در ابعاد مختلف برجسته بودند، بسر بالین صاحب جواهر حاضر کردند. وقتی شیخ انصاری آمدند، مرحوم صاحب جواهر، نکاتی را با ایشان مطرح فرمودند و به حاضران هم فهماندند که پس از من، کسی که شایسته مرجعیت و ریاست مطلق در جهان شیعه باشد، ایشان هستند.

یک جمله از آن گفت و گو را به عنوان شاهد عرض می‌کنم: احتیاطات را کم کن، شریعت اسلام سهله و سمحه است. کاری نکنید که مردم با مشکلات و دشواری هایی مواجه شوند. این حقیقت که اسلام دین سهله و سمحه است، یکی از اموری است که می‌تواند برای فرد فقیه، راهگشا باشد.

علاوه بر ایسن، ما قاعده«لاحرص» ا مطرح می‌کنیم؛ بعضی از امور با مجالس و محافل مربوط با بحث خود تناسب دارد، به هر حال، برخی از مسائل باید تبیین بشود؛ به نوعی که احتیاط یی جا بی و می‌مورد نباشد. نباید کسی در ذهنش بپروراند که مثلا اینجا احتیاط بی جا است، یا این که فقیه بخواهد تحت تأثیر هواها و جواها واقع شود. نه، این کاملاً غلط است.

وقتی خوب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که بین مجتهدان و فقها تفاوت نظر وجود دارد. در یک فرع فقهی، کسی درباره یک موضوع احتیاط می‌کند و دیگری می‌گوید: «نه اینجا جای احتیاط نیست.» جا دارد در این جا کسی که احتیاط می‌کند، در منابع و آن چه که ابزار استنباط است، تجدید نظر کند. البته نه از باب این که ما بخواییم تکلیفی تعیین کرده باشیم؛ چه بسا گاهی این فتواها به سمت و سویی سوق داده شود که خیلی از مشکلات را حل کرده، موانع را از سر راه بردارد؛ به شکلی که احتیاط لازم نباشد. چنان که در بسیاری از موارد، بعضی از فقها با ارائه مدرک و استناد و مطرح کردن بعضی از ادله برای فقیهان دیگر(احتی در رده بالاتر)، باعث تغییر فتوای آن ها شده اند.

امیدوارم ان شاءالله، این حرکتی که به تعبیر مقام معظم رهبری یک مژده و ضرورت است، میشر آتیه ای بسیار خوب برای حل بسیاری از مسائل و مشکلات بوده، در آن وقفه ای ایجاد نشده، بلکه باحضور اعظام دیگر دنبال شود؛ به شکلی که اگر لازم باشد، حضرات اقایان بتوانند نتایج و ثمرات نشست ها و تحقیق‌هایشان را تبیع و آن ها را در اختیار دیگران قرار بدهند تا شاهد پیشرفت، ترقی و تمالی بسیار در حل مشکلات فقهی، خصوصاً در دایره هنر باشیم.»

آیت الله دستغیب از حاضران در آستان مقدس حرم مطهر احمد بن موسی –شاهچراغ(ع)– تشکر کردند. ایشان آرزو کردند در دیگر مکان های مقدس نیز، بستر این دست نشست ها با موضوع فقه و هنر و دیگر موضوع ها فراهم شود.